

بررسی تحلیلی سیر نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران با نگاهی آسیب‌شناسانه به قالب‌های نقد

مهدی حجوانی

استادیار پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
email: mehdi@mehdihejvani.com

چکیده

مقاله‌ی حاضر، ضمن مروری بر جریان نقد ادبیات کودک و نوجوان ایران از مشروطه تا کنون، نشان داده است که این جریان هرچند رو به رشد بوده اما با رویکردی آسیب‌شناسانه، بیشتر بر دو قالب ویژه تاکید داشته است: نخست، ارائه‌ی فهرست کتاب‌های مناسب و دوم، نقدهای مفصل و تخصصی. این دو شیوه با وجود برخورداری از ارزش، کاربردهایی محدود دارند. از این رو نمی‌توانند به تنهایی جریان نقد را مؤثر، فراگیر و نهادینه کنند. پیشنهاد مقاله‌ی حاضر این است که افزون بر توجه به ارزش‌های هر دو شیوه‌ی پیش‌گفته، به راهی میانه نیز اندیشیده شود. این راه، معرفی کتاب در سطح کلان و پرشمار، در قالب نشریه و یا فضای مجازی است. معرفی کتاب در همان حال که محدودیت‌هایی دارد، از ظرفیت‌هایی ویژه نیز برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، ادبیات کودک، انقلاب مشروطه، کتاب‌های مناسب، معرفی کتاب، نقد.

۱. مقدمه

۱-۱. هدف، ضرورت و پیشینه‌ی بحث

هدف مقاله‌ی حاضر، سیری تحلیلی در پیشینه‌ی نقد ادبیات کودک در ایران از مشروطه تا امروز، همراه با آسیب‌شناسی قالب‌های نقد است تا از این طریق و در حد امکان، قوت‌ها و کاستی‌های هر قالب شناسایی شود. پرسش این است که چرا با وجود ظهور منتقدان توانا، نوشته‌شدن نقدهای بسیار، لحن آرام منتقدان، تأسیس نشریات متمرکز بر نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک و به طور کلی پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر در عرصه‌ی نقد ادبیات کودک در ایران مشاهده شده، این جریان هنوز نهادینه نشده است؟ در پیوند با آسیب‌شناسی نقد ادبیات کودک بسیار گفته و نوشته شده است؛ اما نکته این جاست که تا کنون به آسیب‌شناسی نقد ادبیات کودک، بیشتر از زاویه‌ی درونی و ساختاری متن پرداخته شده است. برای نمونه از حرفه‌ای نبودن منتقد، گفتمان و لحن اقتدارگرایانه و یا مسلط نبودن او بر موضوع و سرانجام «نقد صاحب اثر به جای نقد خود اثر» سخن رفته است؛ در حالی که از وجوه بیرونی و فرامتنی از جمله کاربردی نبودن نقدها (با وجود ارزش ساختاری آن‌ها) و غفلت از نیازهای خوانندگان نقد و در یک کلام سوء مدیریت نقد کمتر سخنی به میان آمده است. از این رو نگارنده بر آن است تا با مروری بر پیشینه‌ی نقد، اصلی‌ترین شیوه‌هایی را که جامعه‌ی نقد در چهار دهه‌ی اخیر برای ارتباط با مخاطبان پیموده است، ترسیم و تحلیل کند و امکانات و محدودیت‌های هر شیوه و قالب را به ویژه از نظر کاربردی برشمارد و در پایان پیشنهادی بر مبنای این تحلیل ارائه دهد.

۱-۲. تعریف‌ها

منظور مقاله‌ی حاضر از نقد ادبی نوعی از نقد است که مکتوب و منتشر می‌شود، متنی که می‌کوشد در چارچوبی فنی و روشمند و مبتنی بر بخشی از معیارهای ادبی، به تحلیل و واکاوی اثر یا تطبیق و مقایسه‌ی دو یا چند اثر بپردازد. جایگاه چنین نقدی رسانه است و در نشریه، کتاب و یا فضای مجازی ارائه می‌شود. بنابراین مقصود نقدی نیست که اصطلاحاً آن را «نقد زمانه» نامیده‌اند، بلکه «نقد در زمان» است. نقد زمانه بر

وجدان و انتخاب جمعی استوار است و هم چون قانونی نانوشته و توافقی عمومی زیر پوست جریان ادبی زنده است. هر نویسنده‌ای با رویکرد خاص خود به نوشتن، هر ناشری با پذیرش و انتشار یک اثر، هر پدر و مادر و مربی و کتابداری با کتابی که برای بچه‌ها خریداری و یا انتخاب می‌کند، هر خواننده‌ای با کتابی که برای خواندن برمی‌گزیند، هر کتاب‌خوانی که در باره‌ی اثری اظهارنظر شفاهی می‌کند و آن را به دیگران توصیه و یا دیگران را از خواندن آن برحذر می‌دارد، هر کارشناس و علاقه‌مندی که در نشست‌های نقد داستان و شعر، در باره‌ی کارها اظهارنظر می‌کند، و سرانجام هر جشنواره‌ای که اثر یا آثاری را شایسته‌ی تقدیر و جایزه معرفی می‌کند، دست به عمل نقد از نوع نقد زمانه می‌زند. برآیند انتخاب‌های این گروه‌های اجتماعی در طول زمان، آثاری را ماندگارتر می‌سازد و آثاری را به فراموشی می‌سپارد. اما نقد مورد نظر در این مقاله نقد به مفهوم مصطلح آن است. البته در این مقاله به قالب فهرست کتاب‌های مناسب هم اشاره خواهد شد. گرچه فهرست کتاب‌های مناسب بر نقد اتکا دارد، اما نمی‌توان آن را نقد نامید؛ به این علت که انتشار نمی‌یابد و تنها نتایجش که همان فهرست کتاب‌های مناسب است، به خواننده تجویز می‌شود.

وقتی گفته می‌شود، نقد - به معنای نقد در زمان - نهادینه نشده است، منظور این است که نقد به شکل جریانی اولاً مستمر، در ثانی فراگیر و ثالثاً مؤثر در نیامده است. نقد، هنگامی نهادینه می‌شود که از نظر اجتماعی، فرآیندی مستقل از تغییر سیاست‌های فرهنگی و در یک کلام، حرکتی حرفه‌ای باشد. منظور از معرفی کتاب نیز گزارشی از نوع گزارش‌های روزنامه‌ای است که مطالبی درباره‌ی یک کتاب بیان می‌کند و درباره‌ی آن نظر می‌دهد.

۲. مروری بر سیر نقد ادبیات کودک در ایران

۲-۱. از مشروطه تا دهه‌ی چهل: آغاز معرفی کتاب‌های مناسب

ادبیات کودک به شکل امروزی‌اش از دوره‌ی مشروطه شروع شده است. در این دوره نمی‌توان از جامعه انتظار ظهور پدیده‌ی نقد را داشت، زیرا اهل فکر، گرچه از غرب

تأثیر پذیرفته‌اند، اما راهکارها، ابزارها و همدلی و وفاق عمومی لازم برای حرکت در جاده‌ی پیشرفت را ندارند. نتیجه این که حرکتشان به جای رسیدن به نوعی غرب‌پژوهی، به نوعی غربزدگی می‌رسد. در نتیجه، تقلید و نمونه‌برداری باب می‌شود و به صورت ترجمه بروز می‌کند و شاید چاره‌ای هم جز این نباشد. هم‌دلی و نزدیکی روشنفکران نیز به تأسیس مطبوعات - که ابزار خوبی برای مبارزه تلقی می‌شوند- می‌انجامد. تحصیل کرده‌های ایرانی به ترجمه‌ی کتاب‌های درسی و غیر درسی اروپایی به ویژه فرانسوی، روی می‌آورند و ترجمه‌ی کتاب‌های ویژه‌ی کودکان هم از همین برهه شروع می‌شود. شاید بتوان گفت یکی از نخستین شیوه‌های داوری و تحلیل و معرفی کتاب، ارایی‌ی فهرست کتاب‌های مناسب بوده است. نخستین فهرست کتاب‌های مناسب در دوره‌ی پس از مشروطه در سینه‌ی فردا منتشر شده است. سینه‌ی فردا نشریه‌ای با محتوایی دوگانه، شامل مطالب تربیتی و روان‌شناسی برای بزرگترها و داستان و شعر و سرگرمی برای بچه‌ها است که انتشار آن از سال ۱۳۳۲ آغاز می‌شود. آن‌گونه که فرید قاسمی می‌نویسد، این نشریه نخستین فهرست کتاب‌های مناسب را در سال ۱۳۳۸ منتشر می‌کند: ۱۶ عنوان برای کلاس اولی‌ها، ۴۸ عنوان برای دومی‌ها، ۶۳ عنوان برای سومی‌ها، ۳۸ عنوان برای چهارمی‌ها و ۵۳ عنوان برای پنجمی‌ها و ششمی‌ها (قاسمی، ۱۳۸۰، ۹۳).

۲-۲. دهه‌ی چهل تا پیروزی انقلاب: نقد تجویزی و ارائه‌ی فهرست کتاب‌های مناسب

۲-۲-۱. فهرست کتاب‌های کمکی و تشکیل سه نهاد

آن‌گونه که قاسمی نوشته است: «کتابخانه‌ی ابن سینا به مدیریت ابراهیم رمضانی، یکی از ناشران و کتاب‌فروشان ممتاز دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰، در اسفند ماه ۱۳۴۰ مجموعه‌ی کودکان: فهرستی از کتاب‌های کمکی [کمکی] قصه و افسانه و علوم ساده مناسب هر کلاس را انتشار داد. بر روی جلد این مجموعه نوشته‌اند: انتخاب کتب مخصوص هر کلاس در این فهرست، توسط آقای عباس یمینی شریف موسس و مدیر دبستان‌های

روش نو و اولین باشگاه کودکان صورت گرفته است» (افشار، ۱۳۸۷، صص ۵۲ و ۵۳). دهه‌ی چهل ایران از نظر ادبی (بزرگسال و کودک) دهه‌ای پربار است. در این دوره، ادبیات تالیفی و تصویرگری ایرانی در برابر ادبیات ترجمه و تصویرهای خارجی روندی رو به رشد پیدا می‌کنند. در این دوره، سه نهاد در قلمرو ادبیات کودک شکل می‌گیرند:

الف. سال ۱۳۴۱: شورای کتاب کودک، به عنوان نماینده‌ی مؤسسه‌ی بین‌المللی کتاب برای نسل جوان در ایران

ب. سال ۱۳۴۳: مرکز تهیه‌ی مواد خواندنی برای نوسوادان (امروز با نام دفتر امور کمک آموزشی) از طرف وزارت آموزش و پرورش. انتشار مجلات پیک از مهم‌ترین فعالیت‌های این مرکز است که تا امروز (با نام مجلات رشد) تداوم دارد.

ج. سال ۱۳۴۵: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که از سوی دولت وقت تأسیس می‌شود و به عنوان کوشاترین مرکز تولید ادبیات و مواد خواندنی به کار می‌پردازد و در کنار آن، کتابخانه‌های متعددی در سراسر کشور تأسیس می‌کند.

درباره‌ی این سه نهاد که هنوز هم در ایران فعالند، در حدی که به بحث نقد مربوط می‌شود، می‌توان گفت دغدغه‌های هر سه، زیر تأثیر فضای ادبیات کودک در آن سال‌ها هنوز تعلیم و تربیتی است. ادبیات کودک در آن سال‌ها گرچه کم‌کم از جا برمی‌خیزد تا از زیر سایه‌ی تعلیم و تربیت خارج شود، اما هنوز به توفیق نرسیده است. از نظر اجتماعی هم هنوز نقد و انتقاد رواج ندارد و نهادینه نشده است. دوره، دوره‌ی پدرسالاری است و بچه‌ها آن‌چنان در کانون توجه نیستند. نگاه دستگاه آموزش و پرورش هم نسبت به گذشته تحولاتی پیدا کرده، اما هنوز بر یادگیری غیرفعال و معلم محور استوار است. طبیعی است که در چنین فضایی، زمینه‌ی لازم برای شکل‌گیری نقد فراهم نیست و این سه نهاد هم از این نظر بیش‌تر بر انتشار فهرست کتاب‌های مناسب بسنده می‌کنند. فهرست‌ها خالی از توضیح و تفسیر منتشر می‌شوند. شاید تهیه‌کنندگان فهرست احساس کرده‌اند که در مقابل هجوم بدآموزی‌های اخلاقی و نیز کتاب‌های ضعیف از یک سو و معدل پایین سواد والدین راهی نیست جز ارائه‌ی فهرست‌های مناسب.

۲-۲-۲. پشتوانه‌های نظری

شعر کودک در ایران اثر محمود کیانوش منتشر شده در سال ۱۳۵۵ تا چند دهه‌ی بعد مهم‌ترین کتاب نظری در حوزه‌ی شعر کودک به شمار می‌رود. هم‌چنین کندوکاو در مسایل تربیتی ایران (بهرنگی ۱۳۴۴) نظام آموزش و پرورش وقت را به انتقاد می‌گیرد. اما کوشش‌های کیانوش و بهرنگی و دیگر منتقدان و نویسندگان این دوره، اولاً بیش‌تر تلاش‌هایی نظری‌اند و کم‌تر قالب نقد به خود می‌گیرند، در ثانی رویکرد محتوایی و تعلیم و تربیتی (گرچه بعضاً متفاوت و یا متضاد) دارند و سوم این‌که اگر رگه‌هایی از نقد در آن‌ها دیده می‌شود، حرکت‌هایی مداوم نیستند و به جریانی مستمر در حوزه‌ی نقد ادبیات کودک نمی‌انجامند. در واقع می‌توان گفت تحقیقات و نوشته‌های آنان در حد زمینه و بستر لازم برای ظهور نقد موثر می‌افتند. در عین حال، در برخی کتاب‌ها نمونه‌هایی از نقد منتشر می‌شود. برای نمونه، کتاب‌های دو بررسی و گذری در چند و چون ادبیات کودک (صادقی، ۱۳۵۱) و بررسی ادبیات کودک (صادقی، ۱۳۵۷) گذشته از مباحث نظری حاوی چندین نقد و بررسی از آثار نویسندگان کودک آن دوره‌اند. در این دوره کماکان منتقد حرفه‌ای نداریم. در واقع داستان‌نویس و شاعر ویژه‌ی کودک و نوجوان هم زیاد نداریم. بخشی از آثار حوزه‌ی کودک و نوجوان از سوی نویسندگان حوزه‌ی بزرگسال - از جمله به دعوت و سفارش کانون- نوشته می‌شوند.

۲-۲-۳. نشریات نظری

نخستین گام‌ها برای انتشار نشریات نظری در این دوره برداشته می‌شوند. دو نشریه در کانون با هدف پرداختن به بحث‌های نظری پایه‌گذاری می‌شوند: پویه تا شماره‌ی ۶ از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ منتشر می‌شود. این نشریه بعد از انقلاب تا دو شماره به حیاتش ادامه می‌دهد. فصلنامه‌ی کانون هم در دوره‌ی اول، تا شماره‌ی ۴ و در دوره‌ی دوم نیز تا شماره‌ی ۴ از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ به طبع می‌رسد.

جریان قابل توجه دیگر، پایه‌گذاری سلسله مجلات پیک در آموزش و پرورش است که برای گروه‌های سنی گوناگون منتشر می‌شود. گرچه پیک‌ها به آموزش هنر و

ادبیات و ارتقای سطح فکری مخاطبان توجه دارند و بنابراین نوعی زمینه‌سازی برای نقد آثار در آن‌ها دیده می‌شود، اما اصولاً موضوعشان نقد و بررسی آثار کودکانه نیست. نخستین مجله‌های پیک با عنوان‌های پیک دانش‌آموز و پیک معلم در سال ۱۳۴۳ و مجله‌های دیگر پیک برای مقاطع سنی دیگر به تدریج در سال‌های دیگر شکل می‌گیرند و تا سال ۱۳۵۷ دوام می‌آورند. در نقطه‌ی مقابل نشریات نخبه‌گرای پیک، هفته‌نامه‌ی مخاطب‌گرای کیهان بچه‌ها قرار دارد که بیش‌تر به میل و خواسته‌ی کودک اهمیت می‌دهد تا عمق بخشیدن به او. نخستین شماره‌ی کیهان بچه‌ها در دی ماه سال ۱۳۳۵ منتشر می‌شود.

۲-۲-۴. محدودیت‌های فهرست کتاب‌های مناسب

انتشار فهرست کتاب‌های مناسب از سوی سه نهاد پیش‌گفته، تا امروز که چندین دهه از آن روزگار گذشته، هنوز جاری است. اما مشکل این شیوه، ساختار تجویزی آن است. به سخن دیگر، یک‌جانبه است و مخاطب را در روند داوری شرکت نمی‌دهد. در نتیجه مخاطب به ورزیدگی نمی‌رسد. هم‌چنین این شیوه خود نیز هیچگاه در معرض نقد قرار نمی‌گیرد.

۲-۳. از پیروزی انقلاب تا یک دهه پس از آن (پایان جنگ)

۲-۳-۱. نسل تازه و نقد محتوایی

در این سال‌ها نسلی جدید به میدان می‌آید که عزم تغییر دارد. نسلی که به نسل پیشین خود اعتماد ندارد و خود را دنباله‌ی او نمی‌داند و میان او و نسل گذشته‌اش، گسستی پیش آمده است. این نسل آمده تا همه چیز را از نو بسازد و خود تجربه کند. از دنباله‌روی و انفعال نسل پیشین خود نسبت به دنیای غرب آزاده است و به نوعی خودبستگی و جسارت و خودباوری رسیده و حتی نیاز چندانی به فراگیری زبان بین‌المللی احساس نمی‌کند.

در چنین شرایطی ادبیات و به تبع آن ادبیات کودک، خصلتی تجربی و انفجاری به

خود می‌گیرد. قلم‌هایی که آزاد شده و به دور از قیود طبقاتی، مجال نوشتن پیدا کرده‌اند، در سایه‌ی نوعی دمکراسی ادبی که پس از دوران انقلاب محقق شده است، شتاب‌زده می‌نویسند. شماری از نوشته‌ها قوی اما بسیاری از آن‌ها خامند. به همین دلیل تألیف از ترجمه پیشی می‌گیرد. در این وضعیت، نسل جدید کمتر به این فکر می‌کند که خود را نقد کند. اگر نقدی هست، پراکنده است و آن هم بیشتر نقدی کوبنده و انقلابی است که ادبیات گذشته را نشانه می‌رود؛ نقدی که لحن آرامی ندارد و برایش اثر و صاحب اثر تفاوت چندانی ندارند. منتقد بیش از حد به مسایل اجتماعی و فرامتنی بها می‌دهد و تاثیراتی که از معنویت دینی و جانفشانی‌های هم‌زمان مؤمنش و در عین حال ایدئولوژی چپ در جریان انقلاب و جنگ گرفته است، او را خواه ناخواه به سوی نقدی محتوایی و ایده‌آلی و انقلابی سوق می‌دهد. چنین نقدی گاه در هیئت آموزش و راهنمایی ادبی ظاهر می‌شود. در شرایطی که کشور درگیر تهدیدات خارجی، ناآرامی‌های مرزی و درگیری‌های خیابانی است، بیش‌تر ادبیاتی خلق می‌شود که به دنبال ثبت واقعیت است و نه فضاهای فانتزی.

با این همه، کم‌کم ادبیات کودک هم‌چون شاخه‌ای تخصصی در ادبیات مورد توجه قرار می‌گیرد. البته نباید از یاد ببریم که یکی از دلایل گرایش به ادبیات کودک این است که نسل جوان، نه تجربه‌های نسل پیشین را دارد و نه می‌خواهد داشته باشد. از همین‌رو جوان‌هایی که هنوز دنیای بزرگ‌سالی را تجربه نکرده‌اند، خواه ناخواه از دوران کودکی و نوجوانی خود می‌نویسند و در نتیجه ادبیات کودک رواج پیدا می‌کند. از دلایل دیگر رواج ادبیات کودک یکی هم این است که از صحنه‌های جنسی و سیاسی و خشونت‌بار خالی است و با حال و هوای این سال‌ها هم‌خوانی دارد و کمتر سانسور می‌شود.

۲-۳-۲. پشتوانه‌های نظری

نقد در سال‌های ابتدای پس از انقلاب، بیشتر بر شانه‌ی همان فهرست‌هایی حمل می‌شود که از سوی نهادهایی از جمله سه نهاد پیش‌گفته منتشر می‌شوند و کتاب‌های مناسب را معرفی می‌کنند. هم‌چنین می‌توان به یکی از معدود نمونه‌ی فهرست‌ها اشاره کرد که بنیاد بعثت (نهادی غیردولتی) در سال ۱۳۶۳ منتشر می‌کند.

اما رفته رفته نویسندگانی آثاری تحقیقی و یا آموزشی در قالب کتاب و در موضوع ادبیات کودک پدید می‌آورند. از میان آن‌ها می‌توان از کسانی هم‌چون *نادر ابراهیمی*، *رضا رهگذر*، *مصطفی رحماندوست*، *داریوش عابدی*، *ناصر ایرانی*، *اسدالله شعبانی* و *محمود حکیمی* نام برد. مخاطب بعضی از آموزش‌های ادبی این نویسندگان، کودکان و یا نوجوانانند. به طور طبیعی نقد بیش‌تر در نشریات جریان می‌یابد، اما هنوز نشریه‌ی اختصاصی نقد نداریم.

دو شماره‌ی دیگر از نشریه‌ی پویه (کانون) در سال‌های ۱۳۵۹ و ۶۰ منتشر و سپس متوقف می‌شود. نشریه‌ی دیگر کانون، *آیش (جنگ ادبی برای کودکان و نوجوانان)* است که در ۲۳ شماره از آبان ۱۳۶۳ تا آذر و دی ۱۳۷۰ به طبع می‌رسد. در *آیش* معرفی‌های کوتاه از کتاب‌ها همراه با نقد قصه‌ها و شعرهای خود بچه‌ها و هم‌چنین آموزش‌های ادبی در حجمی محدود منتشر می‌شوند. هم‌چنین *سوره (جنگ ادبی حوزه‌ی هنری)* گاه نقدهایی بر آثار کودکان برای بزرگ‌ترها منتشر می‌کند.

۲-۳-۳. نقد برای کودکان

منظور از این گونه‌ی نقد، هم نقد آثار بزرگسالان و هم نقد آثار خود بچه‌ها (با زبانی ساده‌تر) برای بچه‌هاست. از جمله هفته‌نامه‌ی *کیهان بچه‌ها* چند سالی جلسات قرائت و نقد داستان و شعر برگزار می‌کند و مطالبی برای بچه‌ها منتشر می‌کند. مخاطب گاهنامه‌ی حوزه‌ی هنری با نام *بچه‌های مسجد* هم نوجوانان‌اند. (شماره‌ی اول: ۱۳۵۸ و شماره‌ی آخر: ۱۳۸۳) بعدها ماهنامه‌ی *سروش نوجوان* از سال ۱۳۶۷ منتشر می‌شود و با رویکرد ادبی به نقد بها می‌دهد. این نشریه هجده سال بین ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۵ از سوی انتشارات *سروش* منتشر می‌شود. چندی بعد، ماهنامه‌ی *سوره‌ی نوجوانان* ظاهراً در واکنشی ایدئولوژیک به *سروش نوجوان* به مدت چهار سال بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ تا شماره‌ی ۷۰ از سوی حوزه‌ی هنری منتشر می‌شود و به نقد و معرفی کتاب نیز در حد حوصله و دانش مخاطبان نوجوان و جوان توجه می‌کند. کم و بیش همین توجه به نقد را در نشریات *رشد* (آموزش و پرورش، دفترانتشارات امور کمک آموزشی) هم

می‌بینیم. سلسله نشریات رشد همان سلسله مجلات پیک هستند که در سال‌های پیش از انقلاب منتشر می‌شدند و حالا تغییر نام و تا حدی تغییر بی‌ش داد و در چارچوب دیدگاه‌های انقلاب اسلامی منتشر می‌شوند.

در این میان نشریه‌ی عروسک سخنگو نیز در سال ۱۳۶۸ در تیراژی محدود (۱۰ نسخه و به شکل دست‌نویس) و بدون عرضه‌ی عمومی شکل می‌گیرد. این نشریه آثار داستان و شعر خود بچه‌ها را منتشر می‌کند و تحلیل کوتاهی هم از این آثار به چاپ می‌رساند. هم‌چنین یکی از کارهای این نشریه در سال‌های نخستین، مکاتبه با بچه‌ها و ارائه‌ی نظر درباره‌ی نوشته‌های آنان است. رونق این نشریه رفته‌رفته به جایی می‌رسد که آخرین شماره‌اش ۲۲۱-۲۲۲ در اسفند ۱۳۸۸ - فروردین ۱۳۸۹ به شکل چاپی و در شکل و هیئتی حرفه‌ای منتشر می‌شود. عروسک سخنگو از حدود سال ۱۳۸۳ به بعد، پرونده‌هایی برای معرفی و نقد آثار نویسندگان بزرگسال می‌گشاید و حجم مطالب نظری و نقدش را افزایش می‌دهد.

ویژگی‌های عمده‌ی نشریات کودکانه در دهه‌ی نخست پس از انقلاب به این شرح‌اند:

- بیشتر دولتی هستند و به طور طبیعی ناچارند در چارچوب‌های رسمی حرکت کنند.

- بیشتر تهرانی‌اند.

- هیچ‌یک حجم عمده‌ای را به نقد و بررسی کتاب اختصاص نمی‌دهند، چون ناچارند حوصله‌ی بچه‌ها را رعایت کنند. بنابراین نقدها کوتاه و بیشتر در حد معرفی کتاب و با رعایت سطح دانش و تجربه‌ی بچه‌ها نوشته می‌شوند. در نتیجه خالی از بحث‌های جدی و فنی‌اند.

هم‌چنین بیشتر نقدها در باره‌ی کتاب‌های داستان نوشته می‌شوند و نه شعر و تصویرگری و کتاب‌های علمی.

۲-۳-۴. مکاتبه با خوانندگان

جریان دیگر، مکاتبه با خوانندگان و پاسخ به نامه‌های آنان است. گرچه این شیوه،

بیرون از دایره‌ی نقدی است که موضوع مقاله‌ی حاضر است، با این همه نوعی جریان نقد است که می‌توان به آن اشاره کرد، به ویژه آن‌که بیش از دیگر حرکت‌ها مانند داوری در جشنواره‌ها به مفهوم نقد نزدیک می‌شود. شیوه‌ی کار این است که هر نشریه ستونی را به درج آثار خود بچه‌ها اختصاص می‌دهد و کسانی از اعضای تحریریه‌ی نشریه عهده‌دار مطالعه‌ی قصه‌ها و شعرهای ارسالی بچه‌ها و راهنمایی آن‌ها در امر نوشتن می‌شوند. در این مقطع، گذشته از نشریات کودکانه، که به بعضی از آن‌ها اشاره شد، دست‌کم می‌توان از سه مرکز بزرگ نام برد که دست‌اندرکار بررسی آثار کودکان و نوجوانان (و گاه بزرگ‌ترهای نوقلم) و راهنمایی و آموزش آنان از طریق مکاتبه هستند: مرکز بررسی آثار مجلات رشد (آموزش و پرورش، دفتر انتشارات امور کمک آموزشی)، مرکز آفرینش‌های ادبی (کانون پرورش فکری)، و پیک قصه‌نویسی (حوزه‌ی هنری)، البته این نهاد در درجه‌ی اول به نویسندگان داستان بزرگسال توجه دارد. این مراکز و هم‌چنین جلسات داستان‌خوانی و نقد داستان از جمله مواردی هستند که پشتوانه‌ی نقدهای مکتوب به شمار می‌روند.

به طور کلی می‌توان گفت در این برهه، نقد نسبت به سال‌های پیش ارتقا پیدا می‌کند، اما هنوز منتقدانی حرفه‌ای که کارشان فقط بر نقد ادبیات کودک متمرکز باشد، نداریم. بیشتر منتقدان، خود، داستان‌نویس و شاعرند و دل‌بستگی اصلی‌شان قصه‌نویسی و سرودن شعر است و نه نقد. اگر هم نقدی می‌نویسند، بیش‌تر جنبه‌ی ذوقی دارد. از طرف دیگر نشریه‌ای هم که به طور مرتب منتشر شود و به طور جدی به نقد ادبیات کودک بپردازد، موجود نیست. نقد در این دوره هنوز نه جریانی فراگیر شده است، نه فرایندی پایدار و نه عاملی چندان مؤثر بر سیر ادبیات کودک.

۲-۴. دهه‌ی دوم و سوم پس از انقلاب

بعد از خاتمه‌ی جنگ و گذر از دهه‌ی اول بعد از انقلاب، جامعه به نوعی تعادل می‌رسد. رفته رفته توجه به ساختار ادبی و شکل هنری آثار، جای محتواگرایی سال‌های اول را می‌گیرد.

۲-۴-۱. فهرست‌ها: تا امروز

آخرین نمونه‌های فهرست کتاب‌های مناسب از سوی سه نهاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، آموزش و پرورش، و شورای کتاب کودک و برخی نهادهای دیگر، به این شرح منتشر شده‌اند: کانون: یازدهمین شماره از کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان (۱۳۸۷)؛ آموزش و پرورش: دفتر انتشارات کمک آموزشی، کتابنامه‌ی رشد (فهرست توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه‌ی درسی، برای مقطع ابتدایی، ش ۹، (۱۳۸۷) و برای مقطع راهنمایی، ش ۷ و ۸ (۱۳۸۶) و برای آموزش متوسطه، ش ۵ و ۶، (۱۳۸۶) و برای آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش ش ۵ و ۶، (۱۳۸۶)؛ معاونت پرورشی: کتاب‌ها - فهرست توصیفی کتاب‌های مناسب، (۱۳۸۷)؛ شورای کتاب کودک: فهرست کتاب‌های مناسب‌سازی شده برای ناشنوایان (۱۳۸۰) [و] کتاب‌شناسی کتاب‌های گویا (کتاب‌های فراگیر) نوار و دیسک فشرده‌ی صوتی برای کودکان معلول، نابینایان، کم‌بینایان و کم‌سوادان. (۱۳۸۰)؛ سازمان اسلامی بین‌المللی دفاع از حقوق کودکان (کافل): چشمه (بررسی کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان)، (۱۳۷۰).

به طور کلی می‌توان گفت که نقد ادبیات کودک در نوع حرفه‌ای‌اش در دهه‌ی دوم پس از انقلاب شکل می‌گیرد. در دوران پس از جنگ، گذشته از فهرست‌های کتاب‌های مناسب که به آن‌ها اشاره شد، شش نشریه‌ی نظری جدید متولد می‌شوند که عمر دولتی‌هایشان کوتاه و عمر غیردولتی‌هایشان بیش‌تر است.

۲-۴-۲. ظهور نشریات جدید: قلمرو، پژوهشنامه

حدود سال ۱۳۶۸ تشکلی غیر دولتی با نام «دفتر ادب و هنر کودک و نوجوان» شکل می‌گیرد که یکی از فعالیت‌های آن، تاسیس گاهنامه‌ای نظری شامل نقد و مقاله و معرفی کتاب و مصاحبه در باب ادبیات کودک است که قلمرو/ادبیات کودک نام می‌گیرد. قلمرو با سردبیری رضا رهگذر تا شش شماره منتشر می‌شود، هرچند که بعد از یکی دو شماره، دفتر ادب و هنر تعطیل می‌شود، اما ناشرانی مختلف، این نشریه را سرپرستی

می‌کنند. بعد از گذشت مدت زمانی، حوزه‌ی هنری بدون این که دیگر نامی از دفتر در میان باشد، مستقلاً انتشار قلمرو را تقبل می‌کند و چهار شماره‌ی دیگر از این نشریه به سردبیری مهدی حجوانی منتشر می‌شود. قلمرو سرانجام پس از انتشار دهمین شماره‌ی خود (۱۳۷۸) متوقف می‌شود.

پس از قلمرو، مهدی حجوانی با پشتیبانی نشر افق فصلنامه‌ای نظری با عنوان *پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان* را در سال ۱۳۷۴ منتشر می‌کند. نشریه در شرایطی شکل می‌گیرد که خلق ادبیات کودک در ایران هم‌چنان تجربی است و از نقد و پژوهش کمتر تأثیر می‌پذیرد. نسل جوان و پرشوری که انقلاب کرده و به نوعی خودباوری رسیده، ممکن است در این راه افراط کند. ممکن است تصور کند که به حقیقت مطلق و پیروزی کامل رسیده و از این رو نسبت به نسل پیشین و نیز دستاوردهای دنیای نو بیش از حد بدگمانی پیشه سازد و خود را در جزیره‌ای کوچک محصور کند. جا دارد که بیش از پیش به یافته‌های پژوهشی و نیز دستاوردهای علوم مرتبط با ادبیات کودک اعتنا شود و آدم‌های این رشته بیش‌تر با هم ارتباط برقرار کنند. از این گذشته نشریه‌ی نقد ادبیات کودک باید در فضایی غیردولتی شکل بگیرد تا با تغییرات مدیریتی و تغییر در سیاست‌های مسئولان دولتی، انتشارش به تزلزل گرفتار نیاید. هم‌چنین هیچ نقدی حرف آخر را نزند و خود نیز در معرض نقد قرار گیرد و امکان «نقد نقد» فراهم شود. در واقع با نوعی تحمل و همه‌سונگری و عطوفت به طیف‌های گوناگون میدان داده شود تا با یکدیگر گفت‌وگو کنند. به طور کلی با انتشار پژوهشنامه، محتوای نقدها علمی‌تر و لحن نویسندگان دوستانه‌تر می‌شود. هم‌چنین هر شماره به موضوعی ویژه می‌پردازد. تازگی و آینده‌نگری ملاک‌های انتخاب موضوع‌های ویژه‌اند.

پژوهشنامه با وجود انتشار بی‌وقفه و منظم به مدت سیزده سال و هم‌چنین ثمراتی که نویسندگان به بار می‌آورند، جریان جدیدی ایجاد می‌کند، اما نمی‌تواند نقد را هم‌چون نهادی فراگیر و تعیین‌کننده در جامعه تثبیت کند. پیداست که انتشار چهار شماره در سال هرچند در مدت زمان سیزده سال، نمی‌تواند بار سنگین نهادینه‌شدن نقد را به سر منزل مقصود برساند. گرایش دانشگاهی و نظری پژوهشنامه تنها بخشی ویژه

از نیازهای این حوزه را برآورده می‌سازد. پیداست که بسیاری از کتاب‌داران و معلمان و والدین بچه‌ها با تمام علاقه‌ای که به شناخت این حوزه دارند، به بحث‌های فنی و پیچیده‌ای مانند پیرنگ، روایت، شخصیت‌پردازی، پرداخت، نثر، زاویه‌ی دید در داستان و وزن، قافیه، موسیقی درونی و قالب‌ها در شعر دلبستگی ندارند و خواننده‌ی نقدهای مفصل نیستند. از این گذشته وقتی نقدها مفصل باشند، فضای زیادی از حجم نشریه را به خود اختصاص می‌دهند و بنابراین با چهار شماره در سال نمی‌توان بسیاری از کتاب‌های مهم را پوشش داد. این کاستی هنگامی چهره می‌نماید که به یاد بیاوریم حجم کتاب‌های کودک اغلب اندک و در عوض، تعداد عناوین آن‌ها بسیار است. در واقع، با انتشار حدود چهار یا پنج نقد در هر فصل، نمی‌توان نمایی هرچند کُلی از وضعیت ارائه داد و یا این حوزه را مدیریت کرد. مشکل دیگر به ویژه در ابتدای راه این بود که تعداد قابل‌اعتنایی از نویسندگان نقدها خود، داستان‌نویس یا شاعر بودند که برای خالی نماندن صحنه، نقد هم می‌نوشتند. این جمع دلسوز، ذاتاً منتقد نبودند و آن‌قدر که دلبسته‌ی داستان‌نویسی و شعرسرایی بودند، به نقدنویسی علاقه نداشتند. نقدهایشان هم گاه داوری‌هایی گرچه منصفانه و هشیارانه اما بیشتر حسی و ذوقی بود. این شرایط موجب شد که در دوره‌های اولیه‌ی انتشار پژوهشنامه، منتقدانی که کار و دغدغه‌ی اصلی‌شان نقد ادبیات کودک باشد ظهور نکنند.

۲-۴-۳. تاسیس چهار نشریه در کانون و انتشار کتاب ماه کودک و نوجوان

در این مقطع، نشریات نظری دیگری از سوی کانون پرورش فکری به چاپ می‌رسند، هم‌چون:

- فصلنامه‌ی پویش، به عنوان نشریه‌ای تخصصی برای بزرگ‌ترها درباره‌ی هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۶۸ سه شماره زیر نظر انتشارات کانون و بعد دو شماره در سال ۷۴ و یک شماره در سال ۷۷ به سردبیری رضا رهگذر.
- رویش (جنگ دینی کودکان و نوجوانان) با مسئولیت سید علی حسینی، یک شماره در سال ۱۳۶۸ و با مسئولیت سید احمد حسینی یک شماره در سال ۷۰.
- ماهنامه (و پس از مدتی، فصلنامه‌ی) گلبانگ به سردبیری معصومه انصاریان ۱۵

شماره از دی ماه ۱۳۷۳ تا پایان سال ۱۳۷۶ و سپس به سردبیری حسین بکایی ۵ شماره در سال ۱۳۷۷.

- روشنان به سردبیری خسرو آقایی، ۹ شماره از سال ۱۳۸۲ تا کنون (۱۳۸۸).
 نشریات متوقف شده‌ی این گروه نیز به دلیل بی‌نظمی در انتشار نتوانسته‌اند جریان نقد ادبیات کودک را دست کم در حوزه‌ی نشریات نظری نهادینه کنند.

- در سال ۱۳۷۶ ماهنامه‌ی تخصصی و نظری با عنوان کتاب ماه کودک و نوجوان از سوی مؤسسه‌ی خانه‌ی کتاب منتشر می‌شود که انتشار آن هنوز ادامه دارد. این نشریه یکی از نشریات هشت‌گانه‌ی کتاب ماه است که به کوشش وزارت ارشاد و سردبیری مهدی حجوانی شکل می‌گیرد. این نشریه در شماره‌ی اول (آبان ۱۳۷۶) حاوی نقد، مقالات، گفت و گوها، اخبار و گزارش‌های مربوط به کتاب‌های کودکان و نوجوانان (اعم از آثار ادبی و آثار علمی) است. یکی از اهداف طراحان کتاب ماه کودک و نوجوان این است که این ماهنامه مکمل پژوهشنامه باشد و زمینه‌های جدیدی را ایجاد کند که پژوهشنامه به دلیل ماهیت و تعریفش نمی‌توانست و نمی‌تواند به وجود آورد. از جمله این که کتاب ماه به دلیل انتشار ماهانه‌اش با دست کم ۱۶۰ صفحه در قطع رحلی (مجله‌ای) می‌تواند شامل نقدها و مقالات بیشتری باشد. هم‌چنین به دلیل انتشار ماهانه‌اش این ظرفیت را داراست که کتاب‌هایی را مورد نقد و بررسی قرار دهد که زمان کمتری از انتشار آن‌ها گذشته است. این نشریه چنین امکانی را دارد که نسبت به پژوهشنامه روزآمدتر و با طراوت‌تر باشد. اگر نگاه پژوهشنامه بیشتر بر نظریه و نگاه به آینده معطوف است، نگاه کتاب ماه بیشتر بر قالب نقد و حال و هوای امروز متمرکز باشد. پژوهشنامه فقط به ادبیات کودک نظر دارد، اما کتاب ماه شامل بررسی کتاب کودک، اعم از آثار تخیلی و آثار غیرتخیلی شود. پژوهشنامه در هر شماره بیش از یک میزگرد ندارد، اما در کتاب ماه کودک و نوجوان رفته رفته این امکان فراهم شود که هر هفته یک نشست تخصصی و ماهیانه چهار نشست در چهار زمینه به شکل میزگرد و سخنرانی برگزار شود: نشست نقد آثار تخیلی، نشست آثار غیرتخیلی، نشست نقد آثار تصویری و نشست نقد مخاطبان (نقد حضوری کتابی از یک نویسنده توسط جمعی از نوجوانان). یکی از ویژگی‌های نشست‌های کتاب ماه کودک این است که نقد کتاب

کودک را در کنار نقد ادبیات کودک رواج می‌دهد. پیش از آن، نقد بیشتر در انحصار نقد داستان و شعر بود. گرچه نشریات آموزش و پرورش دست در کار نقد کتاب‌های درسی و کتاب‌های علمی، آموزشی، سرگرمی و مرجع هستند، و دو نشریه‌ی جدید کانون هم با عنوان‌های کاوش (جنگ علمی) و کوشش (جنگ سرگرمی) در مدت زمانی محدود و موقت منتشر می‌شوند، اما این نیاز حس می‌شود که دایره‌ی این گونه نقد گسترش یابد. وانگهی، اگر فرض کنیم که دستگاهی هم چون آموزش و پرورش در کار نقد و بررسی و معرفی کتاب‌های غیرتخیلی است، هنوز جای دوگونه نقد خالی به نظر می‌رسد: نقد تصویرگری کتاب‌های کودک و دوم اظهار نظر و نقد خود بچه‌ها بر کتاب‌هایی که برای آن‌ها نوشته شده است. این گونه نقدها گرچه پیش‌تر به طور پراکنده در نشریات دیگر هم نوشته شده‌اند، اما به شکل مستمرش در نشریه‌ی کتاب ماه کودک و نوجوان به راه می‌افتند.

در مجموع ارزیابی کارشناسان این است که پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان و کتاب ماه کودک و نوجوان با بیش از یک دهه انتشار جریانی قابل توجه و تاثیرگذار در نقد ادبیات کودک ایجاد می‌کنند (برای نمونه رجوع کنید به خسرو نژاد ۲۰۰۴).

۲-۴-۴. ظهور منتقدان حرفه‌ای‌تر

آنچه دو نشریه‌ی کتاب ماه کودک و نوجوان و پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان در پی می‌آورند این است که برای نخستین بار منتقدانی پا به عرصه می‌گذارند که طی چند سال، عمده‌ترین فعالیت زندگی‌شان مطالعه و نقد کتاب‌های کودکان است. نکته‌ی مهم دیگر این است که بعضی از آن‌ها پس از مدتی فقط بر قالب‌ها و یا موضوعاتی خاص در کتاب‌های کودک متمرکز می‌شوند. برای نمونه می‌توان از کسانی نام برد که در این مقطع زمانی به طور مستمر در زمینه‌ی خاص نقد می‌نویسند: علیرضا کرمانی، حسین شیخ‌رضایی، شهره کاندی، علی کاشفی خوانساری، روح الله مهدی پور عمرانی و حسین بکایی: داستان / شهرام رجب زاده، علی اصغر سید آبادی، مهدی طهوری: شعر / حسین شیخ‌الاسلامی و مهدی یوسفی: داستان‌هایی با گرایش‌های فلسفی / زری نعیمی: داستان‌های اغلب اجتماعی / شهرام اقبال زاده: نقد ترجمه و تطبیق ترجمه با

اصل / شهناز صاعلی: داستان‌های ترجمه / محسن هجری: تاریخ و فلسفه / مهروش طهوری: ادبیات کهن و تاریخ / علی محمد رفیعی: دین / معصومه انصاریان: حقوق زن / محمد طلوعی: سینما و تصویر / محمد جعفری (قنواتی): ادبیات و فرهنگ عامه / جمال الدین اکرمی: تصویرگری / بنفشه توانایی: متون نمایشی، مهدی حجوانی: داستان و دیگرانی که هر از چندی در یکی از زمینه‌ها نقدهایی به چاپ می‌رسانند. هم‌چنین کتاب ماه کودک و نوجوان در تأسیس و شکل‌گیری نهاد جشنواره‌ی نقد، که تا کنون چند دوره از آن برگزار شده است، مشارکت می‌ورزد.

۲-۴-۵. توجه نهادها به منتقدان

یکی از نشانه‌های پیشرفت نقد در این سال‌ها این است که نهادهای غیر دولتی و دولتی برای نخستین بار به منتقدان نیز توجه می‌کنند و برای آن‌ها هم جایی در ردیف برگزیده‌ها در نظر می‌گیرند. از جمله جشنواره‌ی مطبوعات ارشاد، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، جشنواره‌ی مطبوعات کانون، جشنواره‌ی نقد خانه‌ی کتاب و شورای کتاب کودک منتقدان برتر خود را انتخاب و معرفی می‌کنند.

آخرین شماره‌ی پژوهشنامه (شماره‌ی ۵۰) در پاییز ۱۳۸۶ منتشر شد و کتاب ماه کودک و نوجوان از سال نهم انتشار خود (شماره‌های آبان و آذر ۱۳۸۴) به سردبیری خسرو آقاییاری به بازار ارائه می‌شود. مطلب شایسته‌ی درنگ دیگر در این سال‌ها این است که برخی نشریات بزرگسالانه، بعضی از شماره‌ها و یا صفحات خود را به نقد و یا معرفی آثار ادبیات کودکان اختصاص می‌دهند. ذکر تمام این نشریات ممکن نیست، اما از میان آن‌ها که ادبیات کودک را جدی‌تر گرفته و انتشارشان نیز تا امروز ادامه دارد، نام ماهنامه‌ی جهان کتاب (انتشار از سال ۱۳۷۵) و فصلنامه‌ی فرهنگ مردم (انتشار از سال ۱۳۸۲) در بخش غیردولتی و هفته‌نامه‌ی کتاب هفته (انتشار دوره‌ی اول از: ۱۳۷۲ فقط شامل فهرست توصیفی کتاب‌های منتشره، دوره‌ی دوم از: ۱۳۷۷ و دوره‌ی سوم از: ۱۳۸۰) در بخش نیمه دولتی (موسسه‌ی خانه‌ی کتاب) در ذهن روشن‌تر است.

۲-۴-۶. کتاب‌های نقد

در این دوره کتاب‌هایی منتشر می‌شوند که موضوعشان نقد ادبیات کودک است. برخی از این آثار تألیفی و برخی دیگر ترجمه هستند. صرف‌نظر از کتاب‌های ترجمه شده، کتاب‌های تألیفی در سه گروه جا می‌گیرند:

الف. نظریه و آموزش نقد به مبتدیان و یا مریبان، مانند بیاید ماهیگیری پیام‌موزیم (صحبت‌هایی درباره‌ی نقد ادبی همراه با چند نقد آموزشی) (رهگذر، ۱۳۶۸)، آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان و معیارهای نقد و بررسی کتاب (آقایاری، ۱۳۷۵)، معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه‌ی ادبیات کودک (خسرونژاد، ۱۳۸۲) از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان) (سلاجقه، ۱۳۸۵)، دیگر خوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک (خسرونژاد، ۱۳۸۸)، زیبایی‌شناسی ادبیات کودک (حجوانی، ۱۳۸۹).

ب. مجموعه نقد‌هایی بر کتاب‌های کودک و نوجوان، مانند نگاهی به ادبیات کودکان، قبل و بعد از انقلاب (دو جلد)، (رهگذر، ۱۳۶۸)، صمد بهرنگی آن گونه که بود (رهگذر، ۱۳۷۲)، نقد و بررسی شعر کودک (علی‌پور، ۱۳۷۹)، شعر در حاشیه؛ پژوهشی در شعر کودک و نوجوان (سیدآبادی، ۱۳۸۰)، صمد بهرنگی و ماهی سیاه دانا (طاهباز، ۱۳۸۰)، وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند (نقد شعر کودک) (ابراهیمی، جعفر، ۱۳۸۱)، در مسیر تند باد (بررسی ۲۰ سال ادبیات داستانی دفاع مقدس ویژه‌ی کودکان و نوجوانان)، (رهگذر، ۱۳۸۱)، صمد ساختار یک اسطوره، (محمدی [و] عباسی، ۱۳۸۲)، صمد بهرنگی (مجموعه‌ی تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران) (بازن، ۱۳۸۲)، عروسک‌های خدا (نقد‌هایی درباره‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان)، (کاشفی، ۱۳۸۲)، شعر کودک از آغاز تا امروز (گرمارودی، ۱۳۸۲).

ج. پیشینه‌ی نقد ادبیات کودک، مانند: گزارش تحلیلی نقد ادبیات کودک و نوجوان بین سال‌های ۵۱ تا ۷۷ (کاشفی، ۱۳۸۳).

۲-۴-۷. گسترش زمینه‌های نقد در عرصه‌های دانشگاهی

آخرین اتفاق مهم در این زمینه، تأسیس «مرکز مطالعات ادبیات کودک» در دانشگاه شیراز است. از اقدامات این مرکز، می‌توان به تأسیس رشته‌ی دانشگاهی ادبیات کودک برای نخستین بار در تاریخ ادبیات کودک ایران (مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شیراز) اشاره کرد که از تصویب وزارت علوم گذشته است. هم‌چنین می‌توان از برگزاری دو همایش *آسیب‌شناسی نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک در ایران*، سال ۱۳۸۷ و *ادبیات داستانی کودک و نوجوان*، سال ۱۳۸۸ نام برد. اقدام دیگر، تأسیس نخستین مجله‌ی علمی- پژوهشی در تاریخ ادبیات کودک ایران است. این مجله با عنوان *مطالعات ادبیات کودک* از سوی این مرکز و با همکاری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۹ از سوی دانشگاه شیراز به طبع می‌رسد.

۳. نگاهی آسیب‌شناسانه به جریان نقد ادبیات کودک

۳-۱. محدودیت‌های نقد تخصصی

۳-۱-۱. محدودیت در تعداد نقدها

اگر کتاب *ماه کودک و نوجوان* را که به دلیل انتشار ماهانه‌ی نقدها، وسیع‌ترین عرصه‌ی انتشار نقد کتاب‌های کودک است در نظر بگیریم، آشکار می‌شود که نقدها چقدر معدودند. این ماهنامه در هر شماره به طور متوسط هشت نقد را دربر می‌گیرد. طبیعی است که با وجود جدی‌تر و خاص‌تر شدن نقد ادبیات کودک فراوانی نقدها آنگونه نیست که به تنوع و گفت‌وگو آن گونه که انتظار می‌رفت، دامن زده شود.

۳-۱-۲. خطر تک‌صدایی شدن نقدها

پیداست که پرشمار نبودن منتقدان، بدنه‌ی ادبیات کودک را در معرض این آسیب قرار می‌دهد که تنها جمعی معدود نقد بنویسند و درباره‌ی آثار داوری کنند. در نتیجه ممکن است نقد ادبیات کودک تک‌صدایی شود.

۳-۱-۳. مشکل مالی منتقدان

منتقد حرفه‌ای و تمام وقت، نمی‌تواند از راه نقد نویسی امرار معاش کند. از این رو انتشار چنین نشریاتی در بخش غیردولتی غیرممکن و یا دشوار است. نکته‌ی شایسته‌ی درنگ این که نشریاتی از این قبیل را نمی‌توان با گرفتن آگهی به خودگردانی رساند؛ زیرا به دلیل پیچیده و تخصصی بودن مطالبشان، خوانندگانی محدود و به این دلیل تیراژی اندک دارند و هرگز نمی‌توانند برای شرکت‌ها و مؤسسه‌های تجاری انگیزه‌ای برای چاپ آگهی ایجاد کنند.

۳-۱-۴. چالش‌های ذهنی و عاطفی منتقدان

منتقدان احساس می‌کنند نقد نوشتن در شرایطی که جامعه‌ی کتابخوان و کتاب‌نویس به نقد عادت ندارد، نوعی دشمن‌تراشی است و شرط عقل تلقی نمی‌شود. این هم از جمله عواملی است که موجب کاهش تعداد کسانی می‌شود که به نقد نویسی روی می‌آورند.

۴. حلقه‌ای مفقوده میان فهرست کتاب‌های مناسب و نقدهای مفصل و تخصصی

اگر با نگاهی آسیب‌شناسانه جریان نقد و بررسی کتاب کودک را بررسی کنیم، فهرست کتاب‌های مناسب به علت تجویزی بودن از یک سو و نشریاتی مانند پژوهشنامه، کتاب ماه کودک و نوجوان، روشنان و مطالعات ادبیات کودک، به علت تخصصی بودن از دیگر سو، نمی‌توانند نقد را به جریانی مؤثر و حرفه‌ای بدل کنند. به نظر می‌رسد می‌توان با مدیریت صحیح جریان نقد و بی‌این که ارزش فهرست‌های کتب مناسب و یا نقدهای مفصل و تخصصی را انکار کنیم، به راهی میانه نیز اندیشید و به بعضی از قالب‌های جدید مانند معرفی کتاب و نقدهای کوتاه نیز میدان داد تا هم‌چون حلقه‌ای واسط میان فهرست کتاب‌های مناسب و نقدهای مفصل قرار گیرند. منظور از این پیشنهاد میدان دادن به یکی از قالب‌های نقد در سطح کلان و پرشمار است که تنها یکی از زمینه‌های بروز آن انتشار نشریه است؛ چنین قالبی را در مدارس، کتابخانه‌ها، اینترنت و دیگر رسانه‌ها نیز می‌توان رواج داد.

۵. پیشنهاد جدید، راه میانه

«معرفی کتاب» را شاید بتوان معادلی برای Book Review دانست که در وبستر چنین معنا شده است: «معرفی کتاب، گزارشی از نوع گزارش‌های روزنامه‌ای است که مطالبی درباره‌ی یک کتاب بیان می‌کند و درباره‌ی آن نظر می‌دهد» (سورنسون، ۱۹۹۲: ۳۴۳).

۱-۵. نکات قوت و امکانات این قالب

۱-۱-۵. گسترش دایره‌ی خوانندگان

بسیاری از کتاب‌داران، معلمان و پدر و مادر به جای ورود در بحث‌های تخصصی و ادبی، فقط می‌خواهند بدانند که برای نمونه چه کتاب یا کتاب‌هایی را به کودکی که منزوی و خجالتی و یا شیطان و بیش‌فعال است، توصیه کنند تا او به تعادل نزدیک‌تر شود. در عین حال آن‌ها توصیه‌های معرفی‌کنندگان را سربسته و مطلق نمی‌پذیرند، بلکه خود نیز در این فرآیند مشارکت می‌ورزند.

آخرین نکته در باره‌ی گسترش دایره‌ی خوانندگان این است که وقتی نقدها ساده‌تر و کوتاه‌تر شوند، گروهی از کودکان و نوجوانان نیز که بهره‌ی هوشی بالاتر و علاقه‌ی بیشتری به کتاب دارند، می‌توانند مخاطب این نقدها باشند.

۲-۱-۵. گسترش دایره‌ی نویسندگان

نویسنده‌ی معرفی کتاب لازم نیست منتقدی حرفه‌ای باشد. او به دلیل کوتاهی، حسی بودن و ویژگی توصیه‌ای بودن مطلب، از عهده‌ی نوشتن چنین متنی برمی‌آید. در نتیجه می‌توان شمار عظیمی از داستان‌نویسان، شاعران، کتابداران، مربیان، آموزگاران، پدر و مادران اهل کتاب و مدیران فرهنگی را به حلقه‌ی معرفی و نقد وارد ساخت. ممکن است اظهارنظرهای این جمعیت، در مواردی سلیقه‌ای و ذوقی باشد، اما اولاً منتقدان حرفه‌ای هم کم و بیش در معرض برخورد سلیقه‌ای هستند و دوم این که ذوق جماعت نویسنده و شاعر، ذوقی است که در طول زمان تربیت شده و بیشتر قابل اتکاست. هم‌چنین طبیعی است که گسترش دایره‌ی نقد، به گسترش گفت‌وگو دامن می‌زند و پدیده‌ی نقد نقد را هم توسعه می‌بخشد و به چندصدایی شدن پدیده‌ی نقد نیز یاری

می‌رساند.

۵-۱-۳. گسترش دایره‌ی آثار

گفته شد که مفصل بودن نقد، موجب می‌شود که تعداد کتاب‌های مورد بررسی کاهش یابد و به اصطلاح امکان جمع آوری و شمارش آثار کمتر شود. پیداست که کوتاه شدن نقدها این بستر را فراهم می‌آورد که تعداد کتاب‌های بیشتری دیده شوند.

۵-۱-۴. استقلال مالی نشریات مرور کتاب

نکته‌ی دیگر این که وقتی دایره‌ی خوانندگان افزایش یابد، شمارگان نشریاتی که موضوعشان چاپ این گونه متن‌هاست، افزایش می‌یابد. با این موقعیت امکان درج آگهی در نشریه افزایش می‌یابد و در نتیجه نشریه گامی به سوی خودگردانی برمی‌دارد. با خودگردانی نشریه، امکان استقلال از دولت فراهم می‌آید.

۵-۱-۵. گسترش موضوعی و امکان تعدد این گونه نشریات

اگر چنین شیوه‌ای به ثمر برسد، آنگاه امکان دارد که بیش از یک نشریه‌ی نقد منتشر شود و هر نشریه به نقد قالب‌هایی ویژه بپردازد: داستان و شعر، علمی و آموزشی و موضوع‌ها و قالب‌های دیگر.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضمن مروری بر سیر نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران، از دوران مشروطه تا کنون، کوشش شد نشان داده شود که این جریان حرکتی رو به رشد داشته است. با این همه، اتکای نویسندگان، سردبیران و نهادهای فرهنگی بیش‌تر بر دو شیوه‌ی ارائه‌ی فهرست کتاب‌های مناسب و نقدهای مفصل و تخصصی بوده است. شیوه‌ی سنتی «ارائه‌ی فهرست کتاب‌های مناسب» در واقع نقد به مفهوم مصطلح نیست، بلکه محصول نقد به شمار می‌آید. این شیوه، مخاطب را در روند نقد مشارکت نمی‌دهد و خود نیز در معرض نقد قرار نمی‌گیرد، و کارکردش، تجویزی است. متقابلاً شیوه‌ی نقد

مفصل و تخصصی نیز مخاطبانی اندک دارد و فراگیر نیست. در نهایت بدون انکار ارزش‌های دو شیوه‌ی پیش‌گفته، کوشش شد جای خالی شیوه‌ای نشان داده شود که عبارت بود از شیوه‌ی معرفی کتاب.

به نظر می‌رسد که رواج معرفی کتاب، به عنوان حلقه‌ی مکمل دو شیوه‌ی دیگر، در نهادینه شدن نقد ادبیات کودک مؤثر خواهد بود. معرفی کتاب در سطح کلان و پرشمار موجب افزایش تعداد نویسندگان، افزایش تعداد خوانندگان و افزایش تعداد آثار قابل معرفی می‌شود. این امکانات، به نوبه‌ی خود به افزایش تعداد نشریات معرفی کتاب، کاربردی‌تر شدن نقدها، افزایش مخاطبان و افزایش شمارگان این‌گونه نشریات یاری خواهند رساند. در نتیجه پشتوانه‌ای برای استقلال مالی و در نتیجه تداوم انتشار نشریات خواهند بود.

منابع

الف. فارسی

آقایاری، خسرو (۱۳۷۵). *آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان و معیارهای نقد و بررسی*. کتاب. تهران: کاوش.

ابراهیمی (شاهد)، جعفر (۱۳۸۱). *وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند*. تهران: سوره‌ی مهر. افشار، ایرج. (۱۳۸۷). *فهرست‌های ناشران کتاب‌فروشی و کتاب‌فروشی، جلد دوم*. تهران: خجسته.

باژن، کیوان (۱۳۸۲). *صمد بهرنگی (مجموعه‌ی تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران)*. تهران: روزگار.

بهرنگی، صمد (۱۳۴۴). *کندوکاو در مسایل تربیتی ایران*. بی‌جا: بی‌نا. خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه‌ی ادبیات کودک*. تهران: نشر مرکز.

----- (۱۳۸۸). *دیگر خوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- رهگذر، رضا (۱۳۶۸). *بیابید ماهیگیری بیاموزیم* (صحبت‌هایی درباره‌ی نقد ادبی همراه با چند نقد آموزشی). تهران: حوزه‌ی هنری.
- (۱۳۶۸). *نگاهی به ادبیات کودکان، قبل و بعد از انقلاب*. (دو جلد)، تهران: حوزه‌ی هنری.
- (۱۳۷۲). *صمد بهرنگی آن گونه که بود*. تهران: برگ.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۸۱). *در مسیر تند باد* (بررسی ۲۰ سال ادبیات داستانی دفاع مقدس ویژه‌ی کودکان و نوجوانان). تهران: پیام آزادی.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی* (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سیدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). *شعر در حاشیه* (پژوهشی در شعر کودک و نوجوان). تهران: ویژه نشر.
- صادقی، فرخ (۱۳۵۷). *بررسی ادبیات کودک*. تهران: رز.
- (۱۳۵۱). *دو بررسی و گذری در چون و چند ادبیات کودک*. تهران: رز.
- طاهباز، سیروس (۱۳۸۰). *صمد بهرنگی و ماهی سیاه دانا*. تهران: فرزانه روز.
- علی‌پور، منوچهر (۱۳۷۹). *نقد و بررسی شعر کودک*. تهران: تیرگان.
- قاسمی، فرید (۱۳۸۰). *مطبوعات کتاب‌گزار* (تاریخ نشریه‌های ادواری حوزه‌ی کتاب در ایران). جلد اول، تهران: خانه‌ی کتاب.
- کاشفی، علی (۱۳۸۳). *گزارش تحلیلی نقد ادبیات کودک و نوجوان در سال ۵۸ تا ۷۷*، قم: کتاب طه.
- کاشفی، علی (۱۳۸۲). *عروسک‌های خدا* (نقد‌هایی درباره‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان). شیراز: داستان‌سرا.
- کیانوش، محمود (۱۳۵۵). *شعر کودک در ایران؛ نقد و بررسی*. تهران: آگاه.
- محمدی، محمدهادی و عباسی، علی (۱۳۸۲). *صمد ساختار یک اسطوره*. تهران: چیستا.
- موسوی گرمارودی، مصطفی (۱۳۸۲). *شعر کودک از آغاز تا امروز*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان چاپ و انتشارات).

ب. انگلیسی

- Khosronejad, M. (2004). "Iran" in: Peter Hunt (Ed.). *International companion encyclopedia of children's literature*, Second Edition, London: Routledge, 1095-1098.
- Sorenson, S. (1992). *Webster's new world student writing handbook*, New York: Prentice Hall.